



**نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا که ۲۰۰ سال پیش تقریباً ۵ به ۱ بوده است، به واسطه رشد اقتصادی نابرابر طی ۲۰۰ سال گذشته، امروزه به ۴۰۰ به ۱ رسیده است**

**توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییر ارزشها و دموکراتیک شدن، نشانگان به هم پیوسته ای از پیشرفت اجتماعی را تشکیل می دهند که نظریه پردازان نوسازی تاکنون نتوانسته اند این سه مؤلفه را در یک نظریه منسجم به یکدیگر پیوند دهند**

**نشانگان توسعه انسانی و مؤلفه های آن**

نویسندگان در بخش نظریه ابتدا به درستی مفهوم مؤلفه های سه گانه اصلی توسعه انسانی، یعنی مؤلفه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را تبیین و تشریح کرده اند و بدین ترتیب منابع فردی، ارزشهای بیان نفس و دموکراسی واقعی در مقام سه مؤلفه مرتبط با مؤلفه های اصلی توسعه انسانی معرفی می شود و اهداف، انگیزه ها و قوانین در حوزه هایی که مؤلفه ها خود را آشکار می کنند، به شرح جدول زیر طبقه بندی می گردد (ص ۱۰).

مؤلفه های توسعه انسانی		مؤلفه اقتصادی	مؤلفه فرهنگی	مؤلفه سیاسی
مؤلفه ها	منابع فردی	ارزش های بیان نفس	حقوق نفس نهادینه شده	
فرایندهای بنیادین	توسعه اجتماعی	تغییر فرهنگی	دموکراتیک شدن	
حوزه هایی که مؤلفه ها خود را آشکار می کنند	اهداف	انگیزه ها	قوانین	
جهت عمل غالب	رابطه اهداف - انگیزه ها	رابطه انگیزه ها - قوانین		
بن مایه	گسترده تر شدن حق انتخاب نهادینه شده انسان ها			

**مفهوم توسعه انسانی**

به نظر مؤلفین، این مؤلفه ها بیش از پیش، به ترتیب طی فرایندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی با تغییرات فرهنگی و دموکراتیک شدن رواج یافته اند. براین اساس بن مایه هر سه مؤلفه توسعه انسانی گسترده تر شدن حق انتخاب انسانها است (ص ۱۱).

در مقوله رابطه اهداف - انگیزه ها جهت گیری ارزشی افراد حاکی از محدودیتهایی است که شرایط اجتماعیشان بر خودآیینی آدمی تحمیل می کند. براین اساس در شرایط محرومیت اقتصادی، افراد اولویت کمتری برای بیان نفس قائل می شوند (ص ۱۲).

شواهد به دست آمده از پیمایش ارزشهای جهانی مؤیدهای تجربی این نگرش را فراهم می آورد که در اختیار داشتن گزینه های گسترده برای «بیان نفس» موجب افزایش رضایت زندگی انسانها می شود. براساس تحقیقات به عمل آمده در هر ۱۴۸ پیمایش ملی در جوامع گوناگون، از اوگاندا تا چین، ایران، برزیل، سوئد، لهستان و سایر کشورها، همبستگی قوی ای میان تلقی افراد از تعداد حق انتخابهایی که برای شکل دادن به زندگیشان در اختیار دارند و سطح رضایتشان از زندگی وجود دارد (ص ۱۳).

در مقوله رابطه انگیزه ها - قوانین، افزایش تأکید بر بیان نفس به تقاضای فزاینده برای آزادیهای مدنی، آزادی بیان و حقوق سیاسی منجر می شود - که تأمین کننده ضمانتهای نهادی برای انواع کنشهای خصوصی و عمومی لازمه بیان نفس اند (ص ۱۴).

تأثیر تأکید فزاینده بر بیان نفس دارای تأثیرات کاملاً متفاوتی است. از جمله، در حکومتهای دموکراتیک این تأکید منجر به تغییر نظام حکومتی نمی شود، بلکه رشد دموکراسی واقعی را موجب می گردد؛ در حالی که دموکراسیهای صوری، که حقوق سیاسی و مدنی پایه روی کاغذ تضمین شده است، در صورتی که کشور، تحت حاکمیت نخبگان فاسدی باشد، شهروندان جامعه منبع و انگیزه ای برای اعمال فشار مؤثر در راستای تحقق حقوق اساسیشان ندارند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که صرف وجود حقوق سیاسی و مدنی ایجاد ارزشهای بیان نفس در میان افراد جامعه را باعث نمی شود (ص ۱۵).

نمونه بارز این ادعا کشور هند است که با بیش از پنجاه سال حاکمیت دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی مجموعه کاملی از حقوق مدنی و سیاسی را به شهروندان خود عرضه کرده است، اما شهروندان آن نتوانسته اند به همین نسبت بر بیان نفس تأکید کنند (ص ۱۶).

در مقابل، اگرچه کشور چکسلواکی سابق در طول چهار دهه حاکمیت کمونیستها حقوق صوری بسیار محدودی را در اختیار شهروندان خود قرار داده بود، چکها، و به میزان کمتری اسلواکها، تأکید به مراتب بیشتری (به نسبت کل شهروندان هندی) به ارزشهای بیان نفس نشان داده اند - که این نشانگر سطح بسیار بالاتر تحصیلات و درآمد آنها است. از این رو، به نظر نویسندگان کتاب، تأکید شدید بر ارزشهای بیان نفس عمدتاً دال بر سطح بالای توسعه اقتصادی است تا وجود دموکراسی. به بیان دیگر، دموکراسیهای واقعی نتیجه و پیامد، و نه علت، تأکید عمومی بر بیان نفس اند. (ص ۱۶). تحلیل دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی (صوری) از یک سو، و دموکراسی واقعی از سوی دیگر نشان می دهد که قائل شدن تمایز میان دموکراسیهای صوری و واقعی تا چه حد حائز اهمیت است. علی رغم آنکه بدون دموکراسی صوری - که در قوانین عادی و اساسی گنجانیده شده - نمی توان دموکراسی واقعی داشت، اما وجود دموکراسی صوری لزوماً دموکراسی واقعی را به همراه نمی آورد بدون تردید کشور هند دارای دموکراسی صوری است، زیرا در قانون اساسی آن حقوق اساسی سیاسی و مدنی برای شهروندان تضمین شده، اما تجارب نشان داده است که بیشتر هندیها فاقد منابع کافی اند تا حقوقشان را

## براساس تحقیقات به عمل آمده در هر ۴۸ پیمایش ملی در جوامع گوناگون، از اوگاندا تا چین، ایران، برزیل، سوئد، لهستان و سایر کشورها، همبستگی قوی ای میان تلقی افراد از تعداد حق انتخابهایی که برای شکل دادن به زندگیشان در اختیار دارند و سطح رضایتشان از زندگی وجود دارد

### به نظر نویسندگان کتاب، تأکید شدید بر ارزشهای بیان نفس عمدتاً دال بر سطح بالای توسعه اقتصادی است تا وجود دموکراسی؛ به بیان دیگر، دموکراسیهای واقعی نتیجه و پیامد، و نه علت، تأکید عمومی بر بیان نفس اند

واقعاً اعمال کنند؛ لذا از این حیث کشور هند به کشور چین نزدیکتر است تا به کشور ژاپن (ص ۱۷).

ابزار نمونه‌گیری برای سنجش «دموکراسی واقعی» عبارت است از ثمره دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی و سلامت نخبگان، که از سلامت نخبگان به مثابه یک عامل وزن دهنده استفاده می‌شود (ص ۱۷).

در پاسخ به این سؤال که، آیا مجموع مقادیر ارزشهای همه افراد یک کشور معنادار است؟ می‌توان گفت هنگامی که ارزشهای بیان نفس در میان عموم فراگیر شود، این ارزشها به سرچشمه دموکراسی در کل جامعه مبدل می‌گردند.

در واقع، نظام ارتباطی مشترک و تجربیات ملی یکسان عموماً به گسترش ارزشهای نسبتاً مشابهی در یک کشور و نه در میان کشورها، منجر می‌شود. لذا، در جهان امروز تفاوت میان کشورها از نظر اقتصادی و متکی بر آن افزایش ارزشهای بیان نفس به مراتب بیشتر از این تفاوتها در یک منطقه خاص است.

بر این اساس، تفاوت میانگین درآمد میان ثروتمندترین و فقیرترین ایالات در امریکا حدود نسبت ۲ به ۱ است، در حالی که نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا که ۲۰۰ سال پیش تقریباً ۵ به ۱ بوده است، به واسطه رشد اقتصادی نابرابر طی ۲۰۰ سال گذشته، امروزه به ۴۰۰ به ۱ رسیده است. در نتیجه، تفاوت در جهتگیری ارزشی شهروندان کشورهای مختلف به مراتب بیشتر از شهروندان یک کشور است. (ص ۱۸).

مؤلفان در بخش تحلیلها، به این نکته نیز می‌پردازند که در زنجیره روابط اهداف - انگیزه‌ها - قوانین که شاکله اصلی توسعه انسانی به شمار می‌آیند، بیان نفس عنصر پیوند دهنده دو سر زنجیره به یکدیگر است.

برای اندازه‌گیری این مقادیر در سطح جوامع جهانی از بزرگترین مجموعه داده‌های گردآوری شده، یعنی پیمایش ارزشهای جهانی که تاکنون ۷۳ کشور و ۸۰ درصد جمعیت جهان را تحت پوشش قرار داده، استفاده شده است. براین اساس سطوح بالای رضایت از زندگی رابطه ضعیفی با ارزشهای بیان نفس دارد، در حالی که اگر داده‌های مربوط به تمامی افراد نمونه را در تمامی کشورهای مورد بررسی کنار هم بگذاریم، و یا یافته‌های سطح ملی کشورها را با یکدیگر جمع کنیم، رضایت از زندگی به وضوح با ارزشهای بیان نفس پیوند می‌خورد. به بیان دیگر، احساس خوشبختی در جوامعی پدید می‌آید که شهروندان اصرار بیشتری برای بیان نفس داشته‌اند (صص ۲۳ و ۲۴).

در این میان لازم است به این موضوع نیز توجه شود که صرف سرانه تولید ناخالص داخلی برای سنجش منابع انسانی جوامع وسیله‌ای ناکافی به شمار می‌آید، زیرا تنها درآمد نقدی را مورد توجه قرار می‌دهد و سایر منابع مهم، در مجموع، علی‌رغم برخی پیچیدگیها در مبانی نظری و استدلالی کتاب، باید از ترجمه نسبتاً روان و سلیس آن به زبان فارسی و همچنین حروف چینی و چاپ مناسب آن قدردانی شود. زیرا انتشار کتاب حاضر به سبب توجه خاص دانشجویان، اساتید، کارشناسان و رسانه‌های جمعی کشور به مباحث مربوط به فرایند تحول و شکل‌گیری جامعه مدنی حرکتی شایسته تلقی می‌شود.

متأسفانه عنوان، ناشر و سال انتشار کتاب اصلی در ترجمه فارسی آن قید نگردیده است و نام یکی از مؤلفان (ولزل) روی جلد کتاب به صورت اشتباه درج شده که امید است در چاپهای بعدی مورد توجه ناشر محترم قرار گیرد.